

رودخانه‌ها هنوز ماهی دارند

گفت‌وگو با دکتر احمد نادعلیان استاد دانشگاه و هنرمند محیطی

تنظیم و عکاسی: اعظم لاریجانی

سنگ‌هایی صبور که قصه‌هایی رازآلود در دل دارند و نمی‌توان از آن‌ها و قصه‌هایشان گذر کرد. خود را به سختی از برمودای نقش‌ها بیرون می‌کشیم و با همراهان، در ساختمان موزه پای صحبت دکتر احمد نادعلیان می‌نشینیم.

■ چرا شما در کارهایتان به کودکان و زنان توجه خاصی دارید؟

□ **دکتر نادعلیان:** از دید من سرمایه‌گذاری روی کودکان و زنان و توجه به آن‌ها، هر دو بنیادین است. کودکان نسل فردا هستند. اگر توجه کودک را به مسئله‌ای معطوف کنی، بهره‌اش را ده سال بعد خواهی برد. مثلاً، من چون کودکی‌ام را در بیلاق، در کنار پدر بزرگم، گذرانده بودم، پس از بازگشت از انگلستان، به سرچشمه نخستین آن خاطرات برگشتم.

و بعد چرا مادران؟ در جوامع انسانی بیشترین حساسیت را یک مادر دارد. اگر یک مادر از هنر، نان به دست آورد، اول فرزندش را اسیر می‌کند. علاوه بر آن، اگر از نظر اقتصادی و معیشتی یک مادر آسیب ببیند، تبعاتش در فرزند او دیده می‌شود.

بر این اساس، فکر کردم زمینه آموزش به کودکان و مادران حتی در مقیاس آزمایشگاهی و نمادین مهیا شود. می‌گفتم اگر از ۶۰۰۰ سکنه جزیره هرمز فقط ۶۰ تا ۱۰۰ نفر هم درگیر شوند، کافی است. مهم این است که این را به‌عنوان یک الگو اقتباس می‌کنند.

وقتی شما این رفتار را در مجله منعکس می‌کنید، آن را برای دیده شدن روی سکو می‌گذارید. این برای معلمی که در یک روستای دورافتاده است، پیامی دارد: «منتظر کسی نباش. از همان داشته‌ها و ظرفیت‌های خودت استفاده کن.»

||| اشاره:

احمد نادعلیان دانش‌آموخته نقاشی و دکترای فلسفه هنر از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و دانشگاه یو. سی. ای (UCE) انگلستان است. او که هنرمندی از حوزه هنرهای محیطی است، بیشتر به خاطر کنده‌نگاری روی سنگ‌های رودخانه‌ها شناخته شده است. نادعلیان در عرصه بین‌المللی نیز در زمینه اجرای هنر محیطی فعالیت می‌کند. آثار او در بیش از ۶۰ کشور دنیا پراکنده است. بیشتر حجاری‌هایش روی سنگ‌های رودخانه‌ها به طرح نمادین ماهی اختصاص دارد. به گفته یکی از منتقدان کارگاه حقیقی نادعلیان تمامی رودخانه‌های جهان هستند. نادعلیان در زمینه هنر زمینی هم، با به‌کارگیری خاک‌های رنگی طبیعی، چهره و دست انسان را بر بستر سواحل طراحی می‌کند. آثار احمد نادعلیان را می‌توان در چند کارگاه هنری شامل موزه نادعلیان در تهران، پلور و جزیره قشم و موزه‌ای در جزیره هرمز دید. نادعلیان کنده‌کاری‌های کوچکش را با عنوان «گنج‌های پنهان» در طبیعت کشورهای مختلف دفن کرده است. بیش از یک دهه است که نادعلیان آموزش و هنر به زنان و دختران را در جزیره هرمز آغاز کرده و به آنان یاد می‌دهد چگونه از خاک‌های رنگی جزیره برای نقاشی روی شیشه و چوب و... استفاده کنند. امروز در جزیره هرمز به همت دکتر نادعلیان، نقاشی به صنعتی خانگی و در جهت توسعه منطقه، تبدیل شده است.

در یکی از روزهای داغ تابستان به همراه دکتر محمد عطاران سردبیر مجله و تعدادی از اعضای هیئت تحریریه مجله «رشد» مدرسه فردا، به دیدار او در موزه تهران می‌رویم؛ خانه پدریش که حیاط قدیمی آن از سنگ‌های حجاری شده انباشته است؛

■ ما چطور می‌توانیم کاری کنیم که در مدارس بی‌اعتنایی به نقاشی و سایر جلوه‌های هنر از بین برود؟

□ گاهی باید هنر بازی و سرگرمی و گاهی عناصری از طبیعت را برای بازی به مدرسه بیاوریم. اگر یک بز را به مدرسه ببریم و اجازه دهیم بچه‌ها به آن غذا بدهند، آن را نوازش کنند، ممکن است تا یک هفته به خاطر بز زودتر به مدرسه بیایند. بچه‌ها باید ببینند که مدرسه یک خانه تنگ و تاریک نیست و نباید از آنجا فراری باشند.

او با اشاره به تجربه دیگری در مدرسه فرانسوی‌ها در تهران توضیح می‌دهد: «جهت برگزاری یک کارگاه برای کودکان سفراء کاردارها و خانواده‌های بلژیکی دعوت شدم. زمین را خیس کردم و روی آن رنگ پاشیدم. بچه‌ها آزاد بودند. بعضی از آن‌ها در کیسه نایلونی رنگ می‌ریختند و کیسه‌ها را به هوا پرت می‌کردند. برخی دیگر روی رنگ‌های درهم رفته شکل‌هایی را پیدا می‌کردند. سر تا پای بچه‌ها رنگی شده بود. به آن‌ها گفتم: نگران لباس‌تان نباشید. این لباس‌ها آثار هنری شماست.» او ادامه می‌دهد: «گاهی لازم است شورش درون کودکان و آنچه در آن‌ها سرکوب شده است، تخلیه شود.

■ شما برای آموزش زنان و کودکان با مقاومت‌ها و مشکلات زیادی مواجه شدید. حتی سیلی خوردید. چطور بر این مشکلات فائق آمدید؟

□ این واکنش‌ها، مقاومت نبود؛ ناآشنایی بود. جوامع سنتی با هر چیز تجربه‌نشده‌ای، ممکن است مخالفت کنند. هیچ ادله دینی، سیاسی، اجتماعی و عقلی هم ندارند. روش هنر، سماجت است. در گذشته، کهن‌سراها هم با شعر نو مخالفت می‌کردند. این است که باید از راه‌های طی‌نشده رفت و خلاف جریان آب شنا کرد. پنجاه سال پیش حتی در تهران، بعضی از امور نه فقط برای زنان بلکه حتی برای مردان کراهت داشت. اکنون همان امور نه‌تنها کراهت ندارند بلکه نهادینه شده‌اند. بهای این نهادینه شدن را پیش‌گامان می‌پردازند. اگر بخواهید در جامعه چیزی ایجاد کنید که وجود ندارد، بهایش را باید بپردازید.

■ میل و توجه شما به هنر چه زمانی شروع شد؟

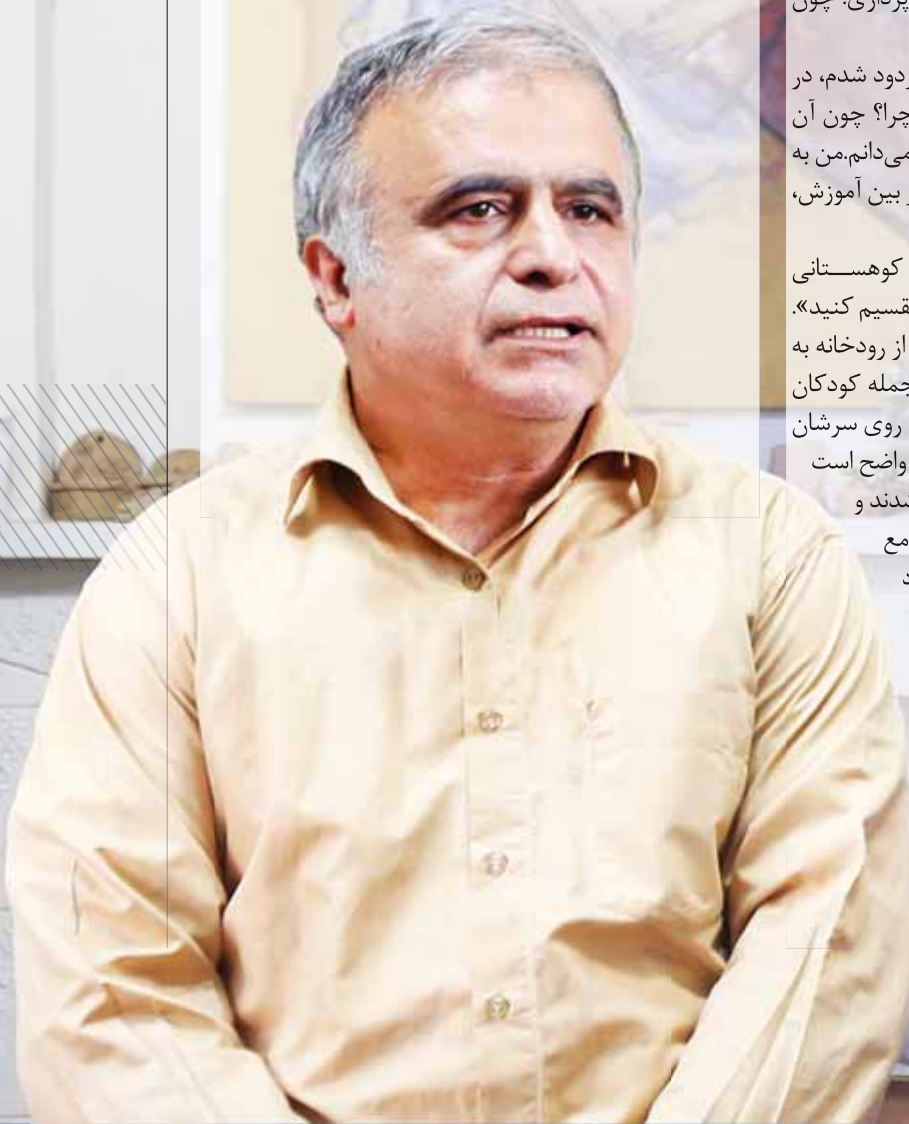
□ زمانی که من دانش‌آموز ابتدایی بودم، هر معلمی که وقت خالی داشت، زنگ هنر را اداره می‌کرد؛ حتی معلم ریاضی. در گذشته آموزش و پرورش به تخیل اهمیتی نمی‌داد. در آن موقع، هنر به معنای بازنمایی بود. در ۱۳ سالگی به نقاشی تمایل پیدا کردم. جسمم در کلاس بود و فکرم در گیر خیال‌پردازی. چون تخیلم فعال بود، چیزی را جذب نمی‌کردم.

در دوران راهنمایی یک سال به خاطر زبان مردود شدم، در حالی که اکنون، زبان تخصصی درس می‌دهم. چرا؟ چون آن زمان نمی‌دانستم برای چه باید بیاموزم اما الان می‌دانم. من به بیش از ۶۰ کشور سفر کرده‌ام. الگوهای غربی، مرز بین آموزش، تفنن و تفریح را برداشته‌اند.

وی ادامه می‌دهد: «در فرانسه در یک منطقه کوهستانی کارگاهی برای کودکان تشکیل شد به نام «آب را تقسیم کنید». در بخشی از برنامه چند جوان آفریقایی بودند که از رودخانه به روش سنتی آب می‌آوردند. گروهی از بچه‌ها، از جمله کودکان فرانسوی، را فرستادند تا همانند آن‌ها ظرف آب را روی سرشان بگیرند و بدون استفاده از دستشان، آب بیاورند. واضح است که غیر از آفریقایی‌ها همه بچه‌ها سر تا پا خیس شدند و

همین‌جا بود که آن‌ها به تفاوت ارزش آب در جوامع مختلف پی بردند. در سمت دیگر، به کودکان یاد می‌دادند که چطور آب را با عبور دادن از قلوه سنگ درشت و ریز، ماسه و زغال تصفیه کنند و آن‌ها به وضوح درک می‌کردند که چطور انسان‌های زیادی باید دست به دست هم بدهند تا آب پالایش شود تا در نهایت، بتوان یک لیوان آب نوشید.

من هم به این کارگاه دعوت شده بودم. از بچه‌ها خواستم طراحی کنند و من طرح‌های آنان را روی سنگ، حجاری می‌کردم.



و روحیاتشان مدیریت کرد. برای مثال، راه‌اندازی مدارس طبیعت برای کودکان در شهرهای بزرگ سازنده است اما برای بچه‌های روستا کاربردی ندارد. باید از قلمروها عبور کرد و دنیای ناشناخته را به آن‌ها معرفی کرد. برای بچه روستایی، متروسواری و آشنایی با دنیای متفاوت مفیدتر است.

● آیا هنر به سایر دروس، مثلاً به ریاضی هم می‌تواند کمک کند؟

□ با اشاره به وجود دو روش ذوقی و عقلی در این زمینه نتیجه عبور از ریاضی می‌شود یک گنبد. به عبارت دیگر، یک ریاضی خوب می‌شود هنر. هنرمند ذوقی حرکت می‌کند. شاید از مسیر حرکت، آگاهی عقلانی نداشته باشد. یک ریاضی‌دان هم اگر درست حرکت کند، ناخواسته با هنر تلاقی می‌کند.

در کشور ما، دانش حفظ شده در حد بالایی است؛ در حالی که کشف را به دانش‌آموزان یاد نمی‌دهند. در کشورهای دیگر، بچه‌ها ممکن است در مقایسه با بچه‌های ما چیزی ندانند اما روش اکتشافی را آموخته‌اند.

به‌عنوان سخن آخر: هنر می‌تواند دو آدم از جنس مختلف را هم‌رسانی کند. باید به این باور برسیم که اگر بتوانیم در کوچه پس‌کوچه‌های هرمز مؤثر باشیم، در تهران و نیویورک هم می‌توانیم.



هنر اجازه این تخلیه را می‌دهد. وقتی کودکان، با افتخار رنگ به هم می‌پاشند، نهایتش یک لباس رنگی است که قاب می‌شود و روی دیوار نمایشگاه جای می‌گیرد.»

● گفتید که آموزش هنر، تخلیه شورش درونی است. چه نقش دیگری برای آن قائل هستید؟

□ آموزش هنر نوعی مدیریت شرایط ناخواسته و بحرانی هم هست. یعنی شما شرایط شکست را به فرصت تبدیل می‌کنید. من هم در کارگاه‌های خودمان وقتی کسی اثری را می‌شکند، می‌گویم: نگران نباش، آن را گران‌تر می‌فروشم. تمام زخم و رنج تو در این اثر هست.

او به برپایی کارگاهی برای مدیران شرکت نفت، اشاره می‌کند و می‌گوید: «این کارگاه به پیشنهاد یک شرکت کانادایی برگزار شد.

عنوان کارگاه، مدیریت، و ابزارش نقاشی بود. مدیران که نفت یا پتروشیمی خوانده بودند، روپوش پوشیدند و پشت سه‌پایه و بوم نشستند. برایشان دشوار بود. اما با راهنمایی من، نقش‌های ابر و باد روی بومشان شکل گرفت. به ذوق آمده بودند و در طول کار، تجربه‌های حسی‌شان را بیان می‌کردند. در روز آخر هم نتیجه گرفتند که مدیریت یک امر سیال شجاعانه است. باید مثل یک نقاش، راهبرد مناسب را متناسب با زمان و مکان انتخاب کنید. اگر بوم خراب است، ابزار فراهم نیست، زمان مناسب نیست، باید شرایط را به نفع خود برگردانید و متناسب با چالش، خبره باشید و راهکاری برای برون‌رفت داشته باشید.»

او ادامه می‌دهد: «در مدرسه هم همین‌طور. نباید یک نسخه واحد برای همه پیچید. کودکان را باید متناسب با شرایط

گاهی لازم است شورش درون کودکان و آنچه در آن‌ها سرکوب شده است، تخلیه شود. هنر اجازه این تخلیه را می‌دهد. وقتی کودکان، با افتخار رنگ به هم می‌پاشند، نهایتش یک لباس رنگی است که قاب می‌شود و روی دیوار نمایشگاه جای می‌گیرد